



الجاء

پدیدآورنده (ها) : اسکندری

فلسفه و کلام :: نشریه کلام اسلامی :: تابستان 1384 - شماره 54 (ISC)

از 90 تا 92

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/29229>

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

الْجَاءُ

المسير إليكم لأفعلن بكم وقعة لا يكون يوم
الجمال إليها إلا كلعقة لاعي؛ اگر مرا
مجبور به حرکت [برای سرکوبی فتنه] به
سوی خود سازید حمله‌ای به شمار بیاورم
که جنگ جمل در برابر آن بسیار کوچک
باشد. گفتنی است الجاء در این گونه
روایات به معنای مجبور بودن در کاربرد
عرفی آن است، نه در کاربرد فلسفی و
کلامی آن.

این واژه در منابع کلامی ذیل مباحث
گوناگونی به معنای «اجبار کردن و سلب
اختیار از انسان» به کار رفته است، از
جمله آن مباحث بحث جبر و تفویض و
نحوه تعلق اراده خداوند بر افعال انسان

الْجاء مصدر باب افعال از ریشه
«لجأ» به معنی اجبار و اضطرار است، و
گاهی به معنای تکیه گاه گرفتن و پناه بردن
نیز آمده است. (۱)

واژه «الْجاء» در قرآن به کار نرفته
است، تنها از مشتقات آن، کلمه «مُلْجَأ»
به معنای «پناهگاه» سه بار در قرآن آمده
است. (۲)

واژه «الْجاء» در روایات در موارد
متعددی به معنای «اجبار» به کار رفته
است، چنانکه در نامه بیست و نهم نهج
البلاغه به معنی «اجبار کردن» آمده است.
امام علی (علیه السلام) در این نامه خطاب به اهل
بصره فرموده است «لئن ألجأتهمونی إلى

۱. خلیل بن احمد، العین، ج ۶، ص ۱۷۸؛ الصحاح، ج ۱، ص ۷۱؛ المعجم الوسیط، ص ۸۱۵.

۲. سورة توبه، آیه ۵۷ و ۱۱۸؛ سورة شوری، آیه ۴۷.

آنگاه در ادامه می‌گوید: «فلا يجوز الجزاء إلى قبيح؛ جایز نیست که خداوند انسان را بر کارهای زشت مجبور کند.»^(۳)

همچنین متکلمان، مشیت به کار رفته در آیه «لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَهَدِيكُمْ أَجْمَعِينَ»^(۴) و در آیه «وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هَدَاهَا»^(۵) و مانند این آیات را به مشیت الجائی و اجباری تفسیر کرده‌اند.^(۶)

مورد دیگری که واژه «الجزاء» در آن به کار رفته بحث قاعده لطف است چنانکه متکلمان در تعریف «لطف» گفته‌اند: «لطف آن است که مکلف را به انجام دادن اطاعت و ترك معصیت نزدیک کرده و به حدّ الجزاء نرساند.»^(۷)

در بحث از حسن تکلیف و شرایط آن نیز واژه «الجزاء» به کار رفته است چنان که

است؛ چنان که شیخ مفید در این باره می‌گوید: «گاهی کارهایی که از انسان با قدرتش اما از روی اکراه، ترس و الجزاء صادر می‌شود به «جبر» تعبیر می‌شود و اصل در مجبور بودن، عدم قدرت بر امتناع از انجام کار است.»^(۱) و همچنین در بحث قضا و قدر و این که آیا این قبیل از اسباب موجب سلب اختیار از انسان است، یا این که قضا و قدر منتهی به الجزاء و جبر در اطاعتها و معصیت‌ها نمی‌شود بیان شده.^(۲)

ابوالصلاح حلبی نیز بعد از این که کارهای انسان را به دو قسم الجائی و اختیاری تقسیم کرده می‌گوید: «آنچه به الجزاء خداوند صورت می‌گیرد ناچار به اراده خدا صورت گرفته و در حکم فعل اوست»

۱. تصحیح الاعتقاد، ص ۱۸۹.
۲. حر عاملی، الفصول المهمة فی أصول الأئمة، ص ۶۵.
۳. تقریب المعارف فی الکلام، ص ۶۴.
۴. سورة انعام، آیه ۱۴۹.
۵. سورة سجده، آیه ۱۳.
۶. ابن میثم بحرانی، قواعد المرام ص ۱۱۴، ۱۱۳؛ طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۱۹۶ و ۱۹۵؛ تصحیح الاعتقاد ص ۱۹۳، سید نورالله تستری، احقاق الحق، ج ۱، ص ۳۹۶ و ۳۸۲.
۷. تلخیص المحصل، ص ۳۴۲؛ فاضل مقداد، اللوامع الالهیه، ص ۱۶۶؛ حسن بن یوسف حلّی، کشف المراد، ص ۳۲۴؛ قواعد المرام، ص ۱۱۷.

بنده‌اش انجام می‌دهد و می‌داند که بنده‌اش با داشتن آن اقدام بر معصیت نمی‌کند به شرطی که آن امر منتهی به حدّ «الجاء» نگردد. (۳)

حاصل آنکه : الجاء به معنای فلسفی و کلامی آن در قلمرو کارهای ارادی انسان با کارهایی که انسان در مورد آنها مسئول شناخته می‌شود؛ مردود است، و در کلام اسلامی، جز جبرگرایان، کسی آن را نپذیرفته است. نادرستی مذهب جبر در افعال ارادی، در کتب کلامی، مبحث جبر و اختیار، بیان شده است.

ابوالصلاح حلبی تقویت داعی و صارف را بدون آن که موجب «الجاء» بشود از شرایط حسن تکلیف شمرده است. (۱)

سید مرتضی و علامه حلبی نیز بیان کرده‌اند که باید بین تکلیف و اعطای ثواب بر آن، فاصله باشد چرا که در غیر این صورت «الجاء» به طاعات لازم می‌آید و الجاء موجب از بین رفتن استحقاق مدح و ثواب می‌شود. (۲)

واژه «الجاء» در ذیل بحث از «عصمت» نیز به کار رفته است چنانکه در تعریف عصمت گفته شده است: «عصمت امری است که خداوند در

۱. تقریب المعارف فی الکلام، ص ۷۸.

۲. سید مرتضی علم الهدی، الذخیره فی علم الکلام، ص ۱۲۱ و ۱۴۲؛ کشف المراد، ص ۳۲۳.

۳. نصیر الدین طوسی، تلخیص المحصل، ص ۳۶۸.